

پیشنهاد تأمین امنیت کابل از جانب طالبان به امریکا



جنرال مکنزی و همراهان

مضمونی در وب سایت <https://taskandpurpose.com/news/afghanistan-> [evacuation-taliban-kabul-control/](https://taskandpurpose.com/news/afghanistan-) از نظرم گذشت که ارزش تبصره و ارزیابی را دارد. در روز های اخیر شکست امریکا در افغانستان که قوای اشغالگر اجباراً خاک ما را ترک گفتند و مزدوران شرف باخته خود را رها کردند، بلا تکلیفی نه تنها در کابل بلکه در سراسر افغانستان حکمفرما شد. طالبان به تاریخ ۱۵ اگست سال ۲۰۰۱ به امریکا پیشنهاد نمودند که قوای امریکا اداره کابل را در دست گرفته تا از هرج و مرج احتمالی جلوگیری گردد. یا اینکه اجازه بدهند که طالبان برای تأمین امنیت همه اداره کابل را در دست خود بگیرند. حین صحبت، ملا برادر به جنرال مکنزی قومندان قوای اشغالگر امریکا در افغانستان متذکر شد که "ما یک مشکل داریم. یا شما مسئولیت امنیت کابل را بدوش بگیرید یا بگذارید که ما این کار را انجام دهیم." جنرال مکنزی با پیشنهاد اصلی ملا برادر موافقت نکرد اما توافق کردند که امریکا مسئولیت اداره میدان هوایی را برای تخلیه قوای خود بدوش خواهد گرفت و طالبان میدانند و اداره کابل.

یک عده خبرنگاران امریکائی این سوال را مطرح کردند که اگر امریکا به پیشنهاد طالبان به ارتباط اداره کابل توسط قوای امریکا موافقت میکرد، حادثه تروریستی که جان ۱۷۰ تن هموطنان ما را گرفت و به حیات ۱۳ تن عساکر اشغالگر پایان داد، اصلاً اتفاق نمی افتاد. طبق گزارش، جنرال مکنزی به ملا برادر گفت که "قوای امریکا اداره میدان هوایی کابل را بدوش میگیرد و طالبان مسئولیت امنیت کابل را به عهده خواهند گرفت." طالبان در آن زمان (همچنان حالا) نه قادر بودند

و نه آمادگی داشتند که امنیت کابل را تأمین نمایند و ملا برادر ضعف طالبان را در این خصوص میدانست. عده ای از مفسران سیاسی و نظامی در امریکا معتقدند که "جنرال مکنزی با طفره رفتن از پیشنهاد طالبان در مورد اداره کابل، بزرگترین اشتباه ستراتیژیک را مرتکب گردید. با گذاشتن امنیت کابل در دست طالبان، ما خود زمنیه را برای بی نظمی آماده ساختیم که نتیجه آنرا هم تجربه کردیم." اما جان مسله در این است که چرا امریکا از پیشنهاد ملا برادر به ارتباط اداره کابل طفره رفت و صرف به حوزه میدان هوایی اکتفا نمود که آنهم عمداً گذاشتند که بی نظمی و هرج و مرج اتفاق بیافتد؟



بی نظمی در میدان هوایی

در یک کنفرانس خبری در پنتاگون، جنرال مکنزی اظهار داشت که چرا او پیشنهاد طالبان را نپذیرفت: اول اینکه طالبان در ارائه نظر خود جدی نبودند، بلکه گفتار شان آنی و غیر رسمی بود. ملا برادر کسی نبود که بتواند از جانب تندروان نمایندگی کند و من هم معتقد نبودم که او بتواند به وعده خود وفا کند، ولو که پیشنهادش جدی هم بوده باشد. دوم اینکه، اگر ما مسئولیت اداره کابل را در دست می گرفتیم، ما اجباراً باید یک قوای عظیمی را آماده می ساختیم تا این وظیفه را به پایان می رساندیم، در حالیکه طالبان این جریان را هرگز نمی پذیرفتند. لذا، من پیشنهاد طالبان را کلاً رد کردم. جواب جنرال مکنزی در کنفرانس خبری پنتاگون ظاهراً نشاندهنده حدس و گمان وی اما در واقعیت طرح امریکا بود که باید به مرحله اجرا قرار می گرفت و افغانستان را دچار سردرگمی میساخت که به آن گرفتار گردید. با در نظر داشت حوادث افغانستان در روز های اخیر اشغال کشور توسط امریکا، نکات ذیل را بایست در نظر داشت:

۱. اگر امریکا به پیشنهاد طالبان در مورد اداره کابل موافقت میکرد، درامه میدان هوایی کابل اتفاق نمی افتاد و حمله تروریستی که جان صد ها تن را گرفت، به وقوع نمی پیوست.

۲. یکی از خواص استعمار این است زمانیکه از سرزمین های اشغالی به زور اخراج میشود، معضلاتی را عمداً برای دولت بعد از اشغال خلق میکند تا نتواند بدون درد سر به کار ادامه دهد. این حالتی است که فعلاً در افغانستان مشاهده می نمایم. امریکا بعد از شکست در ویتنام چنین دشواری ها را خلق نمود، اما کار آگاهان ویتنامی به زودی توانستند که بر همه معضلات ناشی از اشغال و اداره فاسد و دست نشانده ویتنام جنوبی غلبه حاصل کنند و منحنی یک کشور با ثبات و در حال پیشرفت در صحنه جهانی ظاهر شوند.

۳. قوای اشغالگر با خلق دشواری ها برای نظام بعدی، میخواهد به مردم همان کشور و جهان بفهماند که در زمان اداره قبلی (یعنی دولت دست نشانده و فاسد مورد حمایت اشغالگر) کشور اشغال شده بهتر و آرامتر بود. حال مشاهده نمائید که این نظام بعد از ما (اشغالگران) به چه بی نظمی ها و پراگندگی ها مواجه است، در حالیکه قسمت اعظم بی نظمی ها از عملکرد استعمار و عمال داخلی آنها ناشی میشود.

۴. قوای اشغالگر با ۵ هزار عسکر میتوانست که نظم را در میدان هوایی کابل تأمین نماید، اما امریکا خواست که به جهان نشان دهد که مردم افغانستان بی انضباط و غیر قابل اداره اند. حادثه میدان هوایی کابل و یورش و دویدن یک عده از افراد در مقابل و پهلوئی طیاره و بعد افتادن چند تن از بال طیاره بهترین دست آورد برای اشغالگران بود که بتوانند مردم ما را نزد جهان وحشی معرفی نمایند. ما به زودی شاهد فلم های هالیوود در سینما تیاتر های امریکا به ارتباط حادثه میدان هوایی کابل خواهیم بود.



وحشت در میدان هوایی کابل

۵. استعمار جهانی افغانستان را آرام نمی گذارد. شکست افتضاح آمیز استعمار برای همیشه در قلب و دماغ شکست خوردگان و عمال داخلی استعمار باقی خواهند ماند و در صدد انتقام جوئی

متداوم برخواهند خواست. روی همین دلیل است که عمال استعمار بار دیگر با حمایت دستگاه های استخباراتی اجانب در طرح توطئه برگشت فعال میشوند.



تصویر دیگری از وحشت در میدان هوایی کابل

اثرات و نتایج ۲۰ سال اشغال افغانستان توسط قوای امریکا و ناتو و تحمیل یک دولت واقعاً فاسد که بر مبنای چور و غارتگری و عشق خیانت به کشور بنا نهاده شده بود، برای مدت مدیدی باقی خواهد ماند. افغانستان به زودی روی آرامش را نخواهد دید. از یکسو، ناتوانی امارت اسلامی در تثبیت مشروعیت نظام طالبی در سطوح ملی و بین المللی و از سوی دیگر توطئه های استعمار جهانی در بی ثبات ساختن افغانستان، کشور آسیب دیده ما را آستان حوادث دلخراشی خواهد ساخت. برد و باخت قدرت های جهانی در کشور های ضعیف و کوچک زودتر نمایان میشود. افغانستان هم یکی از همان کشور هائی خواهد بود که از تصادم منافع قدرت های جهانی مصئون نخواهد ماند. چیزیکه حوادث ۲۰ سال اخیر افغانستان بیشتر برای ما می آموزاند این است که مزدوران استعمار بار دیگر شرمسار و سرافکنده شدند. استعمار بار دیگر ثابت ساخت که مزدوران خارجی خود را برای همیشه حمایت نمی کند، بلکه بعد از سپری شدن مفیدیت شان، آنها را مانند کاغذ تشناب بدور می افکند. مقوله هلری کلنتن را بار دیگر تکرار می کنم که می گفت: "ما نه دوست دایمی داریم و نه دشمن دایمی، بلکه منافع دایمی داریم." اگر فردی یک قطره از شیر انسان را مکیده باشد و کمی از شرف انسانی برخوردار باشد، خواهد فهمید که نوکری به اجانب چه اندازه مصیبت بار است. اما نوکر صفتان مسلکی و ناموس فروشان میهن هرگز درس نمی آموزند.